

## عسلویه، اردوگاه کار اجباری مدرن

فردین نگهدار

شنبه سیزدهم مهر ۱۳۸۷

عسلویه، نامی که دیگر نام آشناست، نامی یادآور دو دسته صفات و ویژگی متضاد؛ استثمار شدن و استثمار کردن، پول و ثروت، فقر و تنگدستی، آزادی و بردگی، کار و سرمایه، بهشت و جهنم و ...

منطقه ای در جنوبی ترین نقطه استان بوشهر با دارا بودن ۷٪ منابع گاز دنیا و پروژه های گوناگون و فراوانش. پروژه هایی که اگر بنا به گفته مدیران به بهره برداری برسند ثروت های کلانی را نصیب سرمایه داری می کند، پس شب و روز آمار موفقیت ها و پیشرفت کار را از رسانه هایشان تبلیغ می کنند و افق توسعه و پیشرفت را نوید می دهند؛ توسعه سرمایه داری و نمایاندن يك چهره آن.

احداث و راه اندازی پالایشگاه ها، نیروگاه ها، بزرگراه ها، فرودگاه، اسکله ها، رستوران ها و ... همه و همه روی زیبا و قشنگ عسلویه را می نمایانند که بیانگر توسعه سرمایه داری و بهشت سرمایه داران و کارفرمایان است. اما عسلویه چهره و روی دیگری هم دارد، روی واقعی و صد البته زشت، چهره ای که بازتاب زندگی و شرایط کار کارگران است؛ کارگرانی با صورت های سوخته و اندام های نحیف، حقوق و دستمزدهای بسیار نازل، خوابگاه های بی روح و بی امکانات، افق های تاریک و مبهم و محرومیت و محرومیت و ...

باید عسلویه بوده باشی و زندگی و کار در عسلویه را تجربه کرده باشی تا ۱۲ ساعت کار طاقت فرسا در گرمای ۵۰ درجه و رطوبت گاه بالای ۷۰٪ قابل درک باشد و دیگر دیدن کارگرانی که بطری های آب سرد پیچیده در گونی را به کمر بسته اند و گاه از شدت کار از هوش می روند برایت غیر عادی به نظر نیاید. گاه یافتن سایه ای اندک برای در امن ماندن از شدت آفتاب همراه با لیوانی آب خنک آرزویی دست نیافتنی می شود.

اینجا هم استبداد سرمایه بی کم و کاست و حد و مرز حکم می راند و کارگران هم فقط باید کار کنند و دم بر نیاورند. اینجا هم به یمن و برکت توسعه سرمایه داری!، دستمزدها هم به حداقل رسیده، یعنی همان میزانی که نمایندگان کارفرما و دولت برای زنده نگه داشتن کارگران تعیین کرده اند. بیکاری های گسترده کارگران جوان و اغلب بدون مهارت بسیاری را به امید یافتن شغل به عسلویه کشانده و ناچار به هر دستمزدی تن می دهند.

اینجا هم طنز آزادی از زبان منادیان آن تبلیغ می شود و قانون اقتصاد سرمایه داری توجیه گر است؛ قانون عرضه و تقاضا در بازار کار؛ کارگر آزاد است و می تواند نیروی کارش را گرانتر بفروشد یا اصلا نفروشد و کار نکند.

کارگران بی پناه و اما خوشبختی که کاری پیدا کرده اند شبها را در کمپ هایی کوچک و بزرگ اسکان داده اند، کمپ هایی با اطاق های کوچک و سیمانی و مرطوب بدون هیچ امکاناتی تفریحی، نه تلویزیونی و روزنامه ای و نه وسیله سرگرمی سالمی؛ بخش بزرگی از آنان برای ماهها مجبورند در عسلویه بمانند و جان بکنند، شیره جانشان مکیده شود و ارزش اضافی بیشتری تولید کنند تا اندک پولی جمع کنند و پیش زن و بچه هایشان برگردند، تازه اگر جزو کارگران

خوش شانسی باشند که پایان ماه دستمزدشان را گرفته باشند.

مواد مخدر به وفور و به راحتی مصرف می شود به گونه ای که بنا به گفته کارشناسان بهداشت منطقه، بیش از ۵۰٪ معتادان عسلویه برای اولین بار در عسلویه به مواد مخدر روی آورده اند.

هر از چند گاهی کارگران يك شرکت نسبت به وضعیتشان و اغلب نسبت به پرداختن دستمزدهایشان از سوی کارفرما دست به اعتراض و اعتصاب می زنند، گاه پیروز می شوند و گاه شکست می خورند و همچنان بردگی و استثمار ادامه دارد. وضعیت و شرایط و حتی آینده کارگران عسلویه ناامید کننده است. نه تشکیلی و نه حتی نطفه های هیچ نوع تشکل کارگری ای موجود نیست. فعالان کارگری و کارگران پیشرو مانده اند و کوهی از کار و تلاش در میان کارگران با فرهنگ های مختلف و ویژگی کار پروژه ای .

عسلویه به معنای واقعی جهنم است و تضاد کار و سرمایه به عیان ترین شکلش نمایان است. اینجا عسلویه است، اردوگاهی برای کار به شکل اجباری و استثمار به شیوه مدرن و امروزی.

فردین نگهدار

عسلویه - ۱۳۸۷/۰۷/۱۱

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری